اشاره

چند روز پیش سایت آمریکایی «واشنگتن فری بیکن» گزارش داد که مقامات امنیتی رژیم اسرائیل با «صدام حفتر» فرزند ژنرال شورشی «خلیفه حفتر» در لیبی دیدار کردند. ژنرال حفتر، که علاوه بر لیبیایی بودن، تابعیت مضاعف آمریکایی را نیز دارد، طی سال‌های گذشته شرق لیبی را تحت کنترل داشته و در واقع، یکی از جنگ‌سالاران اصلی ۱۰ سال آشـــوب داخلی در لیبی است. او اکنون شرق لیبی را در اختیار دارد و به جنایات متعدد جنگی متهم است. در مقاله حاضر مسئله مهندسی انتخابات در لیبی مورد بررسی قرار گرفته و نشان داده شده است که فرزندان ژنرال حفتر و «معمر قذافی» (سیف‌الاسلام)، بخشی از برنامه‌ریزی محتمل برای انتخابات آتی لیبی خواهند بود. اما، برای روشن شدن شرایط جاری سیاسی، که ظاهرا صهیونیست‌ها و غربی‌ها نیز در آن دخالت دارند، لازم است توضیحی از آن‌چه در ۱۰ سال اخیر بر لیبی گذشته است، ارائه شود. این گونه اهمیت خبر گفته شده روشن تر می‌شود.

غرب و صهیونیست‌ها در شمال آفریقا صحنه‌گردانی می‌کنند

تلاش برای بازگرداندن لیبی به نقطه صفر
پسران حفتر و قذافی در طمع قدرت

امین‌الاسلام تهرانی

«صدام حفتر»، پســـر ژنرال «خلیفـــه حفتر»، بی‌ســـروصدا در حال جلـــب حمایت کشـــورهای غربی بـــرای کارزار انتخاباتی اســـت و با حمایـــت رژیم صهیونیســـتی از او انتظـــار می‌رود کـــه این موضوع باعث تشـــدید رقابت بین او و «سیف‌الاســـلام قذافی»، پســـر «معمر قذافی»، شـــود که گزینه محتمل دیگـــر برای این انتخابات اســـت!

جنگ داخلی

در ادامهٔ تحولات جهان عرب، که غربی‌ها و غربگرایان آن را «بهار عربی» نیز می‌نامند، مجموعه‌ای از اعتراضات خیابانی و نافرمانی‌هایی از ۲۳ دی ۱۳۸۸ علیه حکومتِ ناکارآمدِ لیبی و رهبر دیکتاتورش، «معمر قذافی»، آغاز شد و از ۲۸ بهمن ۱۳۹۸ شکلی گسترده‌تر، خشونت‌آمیزتر و خونبارتر به خود گرفت. شورای امنیت سازمان ملل متحد با تصویب دو قطعنامه، منطقهٔ پرواز ممنوع در لیبی ایجاد کرد و مجوز حملهٔ هوایی نیروهای ناتو به خاک لیبی علیه دولت «قذافی» داده شد، تا اینکه ۳۱ مرداد ۱۳۹۰ مخالفان توانستند وارد طرابلس، پایتخت لیبی، شوند و در همان روز یکی از دو تلویزیون ملی کشـــور را تحت کنترل خود بگیرند و تعدادی از نزدیکان «قذافی» را دســـتگیر کنند. سرانجام در ۲۸ مهر ماه ۹۰ آخرین پایگاه «قذافی» سقوط کرد و دیکتاتورِ سودانیِ لیبی نیز کشته شد.

اما این ســـقوط، مطلعِ آزادی نبود، بلکه آستانهٔ یک جنگ داخلی بود که تاکنون نیز ادامه دارد. با ساقط شدن دیکتاتور کم‌کم درگیری‌های داخلیِ ناشـــی از بی‌دولتی آغاز شد. داعش بر بخش‌هایی از لیبی سیطره پیدا کرد، بخش‌هایی هم درگیر جنگ‌های قبیله‌ای شدند، از همان زمان بسیاری از کشورهای خارجی نیز به تدریج شروع به نفوذ در این کشور کردند؛ تا این‌که، یک درگیری نظامی گسترده و تمام‌عیار آغاز شد. این جنگ بین دولت طبرق که از سوی مجلس نمایندگان منتخب سال ۲۰۱۴ تشکیل شده بود و دولت وفاق ملی مستقر در طرابلس بر سر کنترل بر سرزمین و منابع نفت لیبی آغاز شد.

دولت طبرق مســـتقر در شرق لیبی به رهبری ژنرال بازنشسته «خلیفه حفتر» و با پشتیبانی نیروهای موسوم به ارتش ملی، دولت وفاق ملی به نخست‌وزیری «فائز السراج» را آماج حملات خود قرار داد و دولت ملی مستقر در غرب لیبی، که مورد تأیید سازمان ملل نیز هست، از موضع خود در طرابلـــس و اطرافش دفاع کرد. دولت وفاق ملی موفق شد در ماه می۲۰۱۶ (اردیبهشت- خرداد ۱۳۹۵) مناطقی که در اختیار داعش بود را بازپس‌گیرد و ســـیطرهٔ خود را گسترش دهد، اما در آوریل ۲۰۱۹ (فروردین-اردیبهشت) دولت ژنرال «خلیفه حفتـــر» عملیات تهاجمی غربی را برای تسلط بر طرابلس آغاز کرد و تا دیواره‌های این شهر پیش‌روی کرد.

عربستان، امارات، مصر، فرانسه، روسیه و... از نیروهای موسوم به ارتش ملی به رهبری «حفتر» حمایت می‌کنند وترکیه، قطر برخی کشورهای اروپایی از دولت وفاق ملی به نخست‌وزیری «سراج» پشتیبانی می‌کنند. اما در این میان حضورترکیه در یک سو و امارات (که به‌گونه‌ای پیش‌برندهٔ سیاست‌های عربستان در مورد لیبی هم هست) در سوی دیگر بسیار پررنگ است.

امارات تا کنون هزاران تن تجهیزات برای «حفتر» و نیروهایش فرستاده و همچنین مزدوران سودانی زیادی را عازم این کشور کرده است تا جایی‌که حتی یک رسوایی بزرگ به بار آمد و کاشـــف به عمل آمد، دولت امارات با محوریت «بن زاید» تعداد زیادی جوان سودانی را به اسم استخدام در نیروهای امنیتی امارات و... فریب می‌دادند و رهسپار لیبی می‌کردند.

اما «رجب طیب اردوغان»، رئیس‌جمهور ترکیه، که سودای بازسازی خلافت عثمانی (البته با لباسی مدرن) را در سر دارد، پررنگ‌ترین نقش را در جنگ داخلی لیبی ایفا می‌کند. «اردوغان» افزون بر تجهیزات فراوانی که تاکنون برای حمایت از دولت وفاق ملی فرستاده، نیروهایی از ارتش خود را نیز برای پشتیبانی از گروه مورد نظر خودش عازم این کشور کرده است. البته «اردوغان» به همین هم بسنده نکرده و بیش از ۴۰۰۰ تروریست نزدیک به خودش را که درگیر جنگ ســـوریه بوده‌اند به لیبی منتقل کرده است (البته آمارها مختلف است).

هـــر کدام از طرف‌های درگیر انگیزهٔ مختص به خود را دارند، مثلاً مصر نگرانِ اســـت چون لیبی هم مرز این کشور است و مصر قاعدتاً نگران کشیده شدن ناامنی‌ها به خاک خود است و... اما می‌توان چند انگیزه را برشمرد که برای بیشتر طرف‌های درگیر مهم است: ۱. افزایش عمق نفوذ، هر کدام از طرفین درگیرقصد دارند عمق استراتژیک خود در جهان اسلام و آفریقا را افزایش دهند؛ ۲. دسترسی بـــه منابع نفـــت و گاز، باید توجه کرد کـــه لیبی یکی از کشورهایی است که منابع انرژی فراوانی در خود دارد که دندان طمع خیلی‌ها را تیز می‌کند؛ ۳. دسترســـی بیشتر به مسیر انتقال انرژی، با افزایش نفوذ در لیبی می‌توان به مســـیر انتقال پرسودی برای انرژی در دریای مدیترانه به سمت غرب دست یافت که ارزشش چندان کمتر از خود انرژی نیســـت. البته می‌توان به انگیزه‌های ایدئولوژیکی طرف‌های درگیر هم اشاره کرد که خود می‌تواند موضوع یادداشت مستقلی باشد.

توافق‌نامه اخیر

در تاریخ ۳۱ مرداد ســـال پیش بود که خبر رســـید، طرفین درگیر در جنـــگ داخلی لیبی اعلام کرده‌اند که قصد دارند به سرعت آتش‌بس برقرار کنند و آماده برگزاری انتخابات هســـتند. لیبی سال‌هاست درگیر جنگ است و توافق میان جناح‌های درگیر برای آتش‌بس در گذشـــته به جایی نرسیده اســـت. «سراج» و «حفتر» به نیروهای خود دستور آتش‌بس و دست‌کشیدن از هرگونه درگیری نظامی در سراســـر لیبی را دادند. هم‌چنین قرار است در شهر استراتژیک سیرت در ساحل دریای مدیترانه منطقه‌ای غیرنظامی ایجاد شود که میزبان گفت‌وگوهای صلح باشد. پس از آن، طرفین مذاکراتی پنج روزه را در مراکش برای تقسیم قدرت و مناطق تحت نفوذ خود آغاز کردند.

همچنیـــن خبر رســـید که «فائز الســـراج» آمادگی خود برای کناره‌گیری از قدرت را اعلام کرد. او شـــامگاه چهارشنبه ۲۶ شـــهریور ۱۳۹۹ (۱۶ سپتامبر) در نطقی تلویزیونـــی گفت، «صادقانه» آماده واگذاری مقام خود تا راه برای دولتی جدید بر مبنای توافق احتمالی طرف‌های درگیر باز شود. السراج از مرحله‌ای نو سخن گفت که در آن امکان برپایی انتخابات جدید بر مبنای توافق مناطق مختلف لیبی به‌وجود آمده باشد. او گفت، فضای سیاسی لیبی چنان قطبی شـــده که خروج از بحران را به‌شـــدت دشوار ساخته است.

پس از آن خبر رســـید که نشست مذاکرات لیبی با حضـــور نمایندگان دولت رســـمی لیبی و کمیته‌هایی از مجلس نمایندگان طبرق حامی‌خلیفه حفتر، در شـــرق این کشور در تاریخ هفتم سپتامبر جاری در شهر بوزنیقه در جنوب رباط، پایتخت مراکش آغاز شـــد. خبرگزاری آلمان روز جمعه ۲۱ شـــهریور (۱۱ سپتامبر) گزارش داد کـــه طرفین درگیر در لیبی پس از پنـــج روز مذاکره در ارتباط با تقسیم قدرت و مناطق تحت نفوذ خود به توافق رسیدند. در بیانیه مشترک طرفین درگیر در لیبی که روز پنجشـــنبه ۲۰ شهریور منتشر شده آمده است که بر سر معیارها و سازوکارها توافق جامع شده است.

بالاخره در تاریخ ۲ آبان خبر رسید که نمایندگان دولت وفـــاق و ارتش ملی لیبی که طرفین اصلی درگیر در این کشـــورند، پس از چهار روز مذاکره بر سر آتش‌بس پایدار به توافق رسیدند. «استفانی ویلیامز»، نماینده ویژه سازمان ملل هنگام امضای توافق از لحظه‌ای تاریخی سخن گفت!

اتحادیه اروپا از این توافق اســـتقبال کرد و «جوزپ بورل»، مسئول سیاست خارجی اتحادیه، آن را پیش‌شرط تقویـــت حمایت اروپا از لیبی خوانـــد. بورل گفت: «این توافق اقدامی کلیدی برای از سرگیری روند صلح سیاسی است که به نوبه خود پیش شرط حمایت وعده داده شده اروپاست.» بورل افزود، اروپا می‌داند که اجرای آتش‌بس از مذاکره درباره آن دشوارتر است اما خبر توافق را «بسیار مثبت» تلقی می‌کند.

این توافق آتش‌بس شامل چند بند است: ۱- آتش‌بس به محض امضای توافق اجرایی می‌شـــود؛ ۲- تخلیه کلیه خطوط تماس از واحدهای نظامی و گروه‌های مســـلح با بازگشـــت آنها به اردوگاه‌های خود و خروج همه مزدوران خارجـــی از لیبی حداکثر ظرف مدت ۳ ماه پس از تاریخ امضای توافق آتش بس؛ ۳- توافق برای تشکیل یک نیروی نظامی متشکل از تعداد محدودی سرباز تحت نظارت اتاقی که توسط کمیته نظامی مشترک ۵+۵ برای پایان دادن به نقض‌های احتمالی تشکیل می‌شود؛ ۴- آغاز فرآیند شمارش و طبقه بندی گروه‌ها و نهادهای مسلح با تمام اسامی‌آنها در مناطق مختلف و ادغام آنها در نهادهای دولتی حسب نیاز؛ ۵- متوقف شـــدن درگیری‌های رســـانه‌ای در برخی رسانه‌های صوتی و تصویری و درخواست از دستگاه قضایی لیبی برای محاکمه صاحبان این شبکه‌ها؛ ۶- توافق بر سر بازگشـــایی راه‌ها و گذرگاه‌های زمینی و هوایی در تمامی مناطق لیبی و اتخاذ فوری تدابیر لازم برای بازگشایی برخی مسیرها؛ ۷- مکلف شدن فرمانده حراست تأسیسات نفتی در منطقه غرب، فرمانده گارد تأسیسات نفتی در منطقه شرق و نماینده شرکت ملی نفت لیبی به برقراری ارتباط و ارائه پیشنهاد درباره بازسازی و سازماندهی گارد تاسیسات نفتی لیبی؛ ۸- توافق درباره اتخاذ فوری تدابیر برای تبادل افراد بازداشـــت شـــده میان طرف‌های درگیر با تشکیل کمیته‌هـــای ویژه در این زمینه؛ ۹- با توجه به جوّ مثبت حاکم، کمیته ۵+۵ با همکاری تیم اعزامی ســـازمان ملل به لیبی مکانیزمی را برای نظارت بر اجرای این توافق‌نامه ایجاد می‌کنند؛ ۱۰- آتش‌بس شامل گروه‌های تروریستی خوانده شده توسط سازمان ملل در سراسر لیبی نمی‌شود؛ ۱۱- کمیته ۵+۵ توافق‌نامه امضا شده را به شورای امنیت جهت صدور قطعنامه‌ای برای الزام همه طرف‌های داخلی و خارجی به اجرای آن ارجاع می‌دهد.

آیا این توافق باقی خواهد ماند؟

در پاسخ به این پرسش که آیا این توافق دوامی‌خواهد داشت یا نه؟ باید توجه داشت که حضور طرف‌هایِ خارجی در این جنگِ داخلی اصلی‌ترین عاملی اســـت که جنگ لیبی را تبدیل به یک گره کور کرده اســـت. این عامل در کنار ساختار قبیله‌ای لیبی که خودش از معضلات امنیتی لیبی است، دودش در چشم مردمی می‌رود که نه از انرژی سرشار کشورشان بهره‌ای می‌برند و نه از این جنگ چیزی عایدشان می‌شود.

می‌گویند با ســـاقط شـــدن دولتِ ظلـــمِ بنی‌امیه و برآمدن دولتِ جورِ بنی‌عباس، مردمی که سال‌ها خسته از جنایات بنی‌امیه بودند و امید داشتند با آمدن بنی‌عباس آسایشـــی بیابند، وقتی دیدند که در پسِ شـــعارهای به ظاهر عدالت‌خواهانهٔ عباسیان چه ظلم‌هایی مستتر بود، شـــعار می‌دادند: «از عدل بنی‌عباس به ظلم بنی‌امیه پناه می‌بریم»!! حال مردم خســـته لیبی که از ظلم دیکتاتور سودازده‌ای به نام «قذافی» فرار می‌کردند، به ورطهٔ هرج و مرجی افتاده‌اند که اگر آرزوی بازگشـــت آن دیکتاتورِ دیوانـــه را کنند، چندان نباید تعجـــب کرد. اما رهایی از ایـــن وضع تنها در اختیار آنان نیســـت؛ چرا که هر کدام از نیروهای خارجی درگیـــر در این جنگ منافع خود را می‌جویند، گویی تا وقتی آنها به توافقی نرســـند توافقی پایدار به دست نخواهد آمد.

اما آیا این توافق هم چون توافقات گذشـــته «دولتِ مســـتعجل» اســـت یا دوام می‌یابید؟ البته همچنان باید امیدوار بـــود، اما شـــرایط میدانی به‌گونه‌ای اســـت که کارشناســـان به این توافق هم به دیده احتیاط می‌نگرند و انتظار زیـــادی از آن ندارند؛ به‌ویژه وقتی منابع خبری اعلام می‌کنند که‌ترکیـــه آتش بس طرف‌های درگیر در لیبی با ادامه تمرین‌های نیروهای دولت وفاق نقض کرده اســـت و به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، وزارت دفاع ترکیه در این خصوص اعلام کرده است که به تمرین‌های شبه نظامیان دولت الوفاق در طرابلس ادامه خواهد داد.

پســـران دو دیکتاتور، که خون بســـیاری از مـــردم لیبی را سال‌هاست ریخته‌اند، امیدهای پیش روی همین مردم برای یک انتخابات آزاد هستند! با توجه به صحبت‌های پیشین روشن می‌شود که از این انتخابات نیز نباید انتظار بهبـــود ولو اندک اوضاع را داشت و این انتخابات نیز بخشی از درگیری کشورهای خارجی است که‌از این پس، رژیم آپارتاید صهیونیستی نیز در آن نقش پررنگی خواهد داشـــت.

شاهد دیگری که به ما می‌گوید درباره این توافق نباید خیلی حساب باز کرد، سخنان رئیس‌جمهور ترکیه پس از اعلام خبر این توافق است. همزمان با اعلام توافق «رجب طیب اردوغان» نســـبت به برقراری آتش‌بس و پایداری آن ابرازتردید کرد و گفت: «به‌نظر می‌رســـد این توافق از جایگاه زیادی برخوردار نباشد.» او این توافق را در سطح مســـئولان عالی‌رتبه ندانست و افزود که عیار پایداری آن در روزهای آینده مشخص می‌شود!

چنانکه در فرازهای پیشین این مقاله با تأکید آمد، هر کـــدام از طرف‌های خارجی درگیر در این جنگ طولانی و فرسایشـــی منافع خود را می‌جویند، تا وقتی این منافع برجاست، جنگ هم ضروری می‌نماید، مگر آنکه این منافع از بیـــن بروند و از موضوعیت بیافتند یا طرف‌های درگیر بتواننـــد راه‌های جایگزینی (غیر از جنگ) را برای تأمین منافع خود پیدا کنند. برای کارشناســـان و ما این مسائل روشن نیست. واقع‌گرایانه این است که با دیده احتیاط به این توافق و توافق‌هایی از این سنخ نگریست.

انتخابات آتی و گزینه‌هایش

حالا با توجه به توضیحاتی که پیشتر آمد باید در نظر داشـــت که انتخاباتی قرار است تا چند وقت دیگر در این لیبی بحران‌زده برگزار شود. در این میان خبری نیز منتشر می‌شود؛ پایگاه اینترنتی جمهوری‌خواه و تندروی آمریکاییِ «واشنگتن فری بیکن» به نقل از یک منبع آگاه گزارش داده است که مقام‌های اطلاعاتی رژیم صهیونیستی طی ماه گذشـــته میلادی (مارس؛ بهمن- فروردین) دیداری خصوصی و محرمانه با «صدام حفتر» داشتند. مقام‌های صهیونیســـت با صدام حفتر پســـر خلیفه حفتر فرمانده نیروهای موسوم به ارتش ملی لیبی»برای صحبت درباره نامزدی او برای انتخابات ریاســـت جمهوری سال ۲۰۲۱ لیبی دیدار کردند.

طبق این گزارش، صدام حفتر بی‌ســـر و صدا در حال جلب حمایت کشورهای غربی برای کارزار انتخاباتی بوده است و انتظار می‌رود که این موضوع باعث تشدید رقابت بین او و «سیف‌الاســـلام قذافی»، پسر معمر قذافی، شود که گزینه محتمل دیگر برای این انتخابات است! این‌گونه می‌شود که پسران دو ســـفّاک که خون بسیاری از مردم لیبی را سال‌هاست ریخته‌اند، امیدهای! پیش روی همین مردم برای یک انتخابات آزاد هستند. با توجه به صحبت‌های پیشین روشن می‌شود که از این انتخابات نیز نباید انتظار بهبود ولو اندک اوضاع را داشت و این انتخابات نیز بخشی از درگیری کشورهای خارجی است که حالا رژیم آپارتاید صهیونیستی نیز در آن نقش پررنگی خواهد داشت.

آل‌سعود با جنگ یمن نمی‌داند چه بکند

در حالی که شش سال از مقاومت ملت و ارتش یمن می‌گذرد و در شـــرایطی که طی روزهای گذشته حملات مقاومت به عمق امنیتی ســـعودی افزایش پیدا کرده است، ریاض مجبور به ارائه پیشنهاد آتش‌بس شد.

وزیر خارجه عربســـتان روز دوشـــنبه دوم فروردین ۱۴۰۰ اعلام کرد کشـــورش یک ابتکار جدید صلح ارائه کرده که از جمله شـــامل آتش‌بس سراسری زیر نظر سازمان ملل است.

شاهزاده فیصل بن فرحان آل‌سعود اظهار داشت: این ابتکار همچنین شامل بازگشایی فرودگاه صنعا، اجازه ورود سوخت و مواد غذایی از طریق بندر حدیده و از ســـرگیری مذاکرات سیاسی بین حکومت مورد حمایت عربستان در یمن و حوثی‌های مورد حمایت ایران است. به گفته فیصل به محض این که «حوثی‌ها» با این ابتکار موافقت کنند، آن اجرایی می‌شود.

وزیر خارجه عربستان که در یک کنفرانس خبری با خبرنگاران صحبت می‌کرد، اظهار داشت: اکنون این موضوع بستگی به حوثی‌ها دارد. این در حالی است که برخلاف اظهارات بن فرحان، توپ اکنون در زمین سعودی‌ها قرار دارد.

فصیل بن فرحان افزود: طرح عربستان سعودی اواخر وقت روز دوشنبه به حوثی‌ها و دولت مورد حمایت جامعه جهانی تسلیم خواهد شد.

وزیر خارجه عربستان گفت که ریاض امیدوار است حوثی‌ها به این طرح برای حفظ جان مردم یمن و حل و فصل بحران انسانی پاسخ مثبت بدهند. وی با بیان اینکه این طرح شامل شروع مجدد گفت‌وگوهای سیاسی برای خاتمه دادن به بحران یمن اســـت، گفت انتظار دارد ایالات متحده از این طرح حمایت کند و برای موفقیت آن با ریاض همکار کند.

این پیشنهاد سعودی‌ها مورد استقبال دولت مستقر در عدن به ریاست منصور هادی قرار گرفته و وزارت خارجه این دولت، روز دوشنبه بیانیه‌ای در این مورد منتشر کرد.

جهت اجرایی شـــدن این طرح، هر دو طرف باید با آن موافقت کنند و زمان‌بندی آن را «مارتین گریفیث»، نماینده ویژه سازمان ملل در امور یمن، تعیین خواهد کرد.

واکنش انصارالله

پس از اعلام پیشـــنهادهای تازه عربستان یک مقام ارشد انصارالله در واکنش به آن گفت که این طرح «هیچ چیز جدیدی ندارد»، زیرا همچنان تقاضای ما برای رفع کامل محاصره فرودگاه صنعا و بندر حُدیده را بی‌پاسخ گذاشته است.

محمد عبدالســـلام، مذاکره‌کننده ارشد انصارالله به خبرگزاری رویترز گفت: عربســـتان خود بخشی از جنگ اســـت و باید فورا محاصره دریایی و هوایی تحمیل شـــده بر یمن پایان یابد. ما انتظار داشتیم که عربستان سعودی پایان محاصره بنادر و فرودگاه‌ها و اجازه ورود ۱۴ کشتی توقیف‌شده توسط ائتلاف را اعلام کند، زیرا اجازه فعالیت به فرودگاه‌ها و بنادر یک حق انسان‌دوستانه است و نباید به عنوان ابزار فشار استفاده شود.

محمد عبدالســـلام با وجود این گفت که انصـــارالله مخالف مذاکره و آتش‌بس نیست و حاضر است در صورت تحقق شروط مورد نظر (از جمله رفع محاصره) به گفت‌وگو با سعودی‌ها و همچنین آمریکا و کشور میانجی، یعنی عمان، در تلاش برای رسیدن به توافق صلح ادامه دهد.

نصرالدین عامر، معاون وزیر اطلاع‌رســـانی یمن (دولت صنعا) نیز در مصاحبه‌ای با الجزیره ضمن ابراز بدبینی به طرح عربستان گفت که طرح اعلام‌شده از سوی سعودی‌ها چیز جدیدی ندارد.

تلاش برای خروج از باتلاق

به تعبیر رهبر معظم انقلاب در سخنرانی اخیر نوروزی، عربستان سعودی با تشـــویق و حمایت آمریکا در باتلاق یمن گرفتار شده و هم خارج شدن از جنگ برایش ضرر دارد هم ادامه دادن آن.

به همین دلیل اقدام تازه ریاض تلاشی مذبوحانه برای خروج از معرکه‌ای است که هم در عرصه میدانی و هم سیاسی و حیثیتی دچار شکست شده‌اند.

این در حالی است که با گذشت شش سال از جنگ یمن، سعودی‌ها بارها تلاش کردند تا به طور آبرومندانه از این باتلاق خارج شـــوند و حتی تلاش کردند تا از ســـازمان‌های بین‌المللی یا آمریکا یا برخی کشـــورهای اروپایی به عنوان میانجی استفاده کنند.

طبق گزارش‌های رسمی، جنگ یمن تاکنون بیش از ۱۳۰ هزار کشته برجای گذاشته است از جمله ۱۳ هزار غیرنظامی که به دلیل حملات هوایی ائتلاف سعودی جان خود را از دست داده‌اند. ده‌ها هزار کودک نیز به دلیل قحطی و بیماری جان باخته و این کشور با بزرگ‌ترین فاجعه انسانی پس از جنگ جهانی دوم دست و پنجه نرم می‌کند.

سعودی‌ها همواره تلاش کرده‌اند از مسئولیت جنایات و فجایع انسانی در جنگ یمن شـــانه خالی کنند و ضمن فرافکنی و پیش کشـــیدن پای ایران در این جنگ، چهره خود را تطهیر کنند.

شگرد دیگر سعودی‌ها تمسک به طرح‌های یک‌جانبه آتش‌بس و متهم کردن انصارالله به عدم پذیرش آشتی می‌باشد. این در حالی است که مقاومت یمن ابایی از مذاکره و آتش‌بس ندارد، اما شروطی که مطرح کرده و عمدتا انسانی بوده است، هیچ‌گاه توسط سعودی‌ها پذیرفته نشده است.

وزیر خارجه عربستان تلاش کرده است تا در ارائه پیشنهاد آتش‌بس، نگرانی و التماس سعودی‌ها برای پایان جنگ را پنهان کند، اما کاملا معلوم اســـت که حملات ماه‌های گذشته و نیز عملیات مارب فشار زیادی را به ســـعودی‌ها و ائتلاف آنان وارد کرده و شاهد آن هستند که معادله جنگ علیه آنان رقم خورده است.

مقاومت یمن در پاسخ به تجاوزات ائتلاف سعودی علیه یمن، در استان مارب پیشروی‌های چشمگیری انجام داده و تا نزدیکی شهر مارب رسیده اســـت. همچنین حملات موشـــکی و پهپادی خود را به خاک عربستان افزایش داده و میادین نفتی، فرودگاه‌ها و تاسیســـات این کشور را هدف قرار داده است.

ریاض از ســـوی دیگر می‌کوشـــد که چهره خـــود را نزد دولت جدید ایالات متحده آمریکا به رهبـــری جو بایدن ترمیم کند تا از حمایت‌های بایدن برخوردار شود.

جو بایدن، رئیس‌جمهوری جدید آمریکا اعلام کرده بود از این پس از عربستان در این جنگ حمایت نخواهد کرد.

آمریکا همچنین سیاست دولت پیشین ایالات متحده در زمینه قرار دادن انصارالله در فهرست سازمان‌های تروریستی را کنار گذاشته و اجازه داده است که کمک‌های آمریکا به مناطق تحت کنترل این جنبش فرستاده شود.

هر چند آمریکا از طرح ابتکاری عربســـتان استقبال کرده است، اما با توجه به شـــرایط موجود، افق روشنی از ابتکار جدید عربستان سعودی به چشم نمی‌خورد. طبق تجربه، آتش‌بس یک‌جانبه این کشور در سال گذشته با شکست روبه‌رو شد. در توافق آتش‌بس در مذاکرات سوئد در آذرماه سال ۹۷ هم سعودی‌ها به تعهدات خود پای‌بندی نشان ندادند.

به همین دلیل طرح جدید عربستان نیز چیزی فراتر از یک مانور سیاسی تبلیغاتی برای فرار از شکســـت در جنگ نبوده و به همین دلیل انصارالله دست ریاض را خوانده و نسبت به آن واکنش مثبتی نشان نداده است.

منبع: بصیرت

آیا بن سلمان در چرخه قدرت باقی خواهد ماند؟

عربســـتان این روزها از مشکلات و بحران‌های داخلی و خارجی رنج می‌برد. ناظران معتقدند پس از اینکه در نیمه سال ۲۰۱۷ میلادی «محمد بن سلمان» به عنوان ولیعهد عربستان انتخاب شده، این بحران‌ها افزایش یافته اســـت. این شاهزاده جوان سعودی از طریق برخی تصمیم‌هـــای مهم برای تقویت جایگاه خود و به کنترل در آوردن امور و به حاشـــیه راندن رقبای خود اقدام کرده است. تصمیم‌های وی تنش‌های بســـیاری را در میان خاندان حاکم به دنبال داشت. کاهش نقش شاهزادگان، تلاش برای به حاشیه راندن نهادهای دینی، صدور برخی فرمان‌های اجرایی علیه رقبا و مخالفان، بازداشت چندین تن از افراد سرشناس و بازرگان خاندان حاکم در هتل «ریتز کارلتون» ریاض، متهم کردن شماری از آنها به فساد و از بین بردن آنها، فرمان قتل و سلاخی «جمال خاشقچی» روزنامه‌نگار منتقد سعودی در کنسولگری عربستان در ترکیه از جمله جنایت‌های بن سلمان است که صدای مخالفان وی را در داخل و خارج عربســـتان در آورده و آینده حیات سیاسی او را با شک و تردیدهایی همراه کرده است.

روزهای سخت در انتظار بن سلمان

بن ســـلمان که طی چهار سال گذشته از حمایت‌های «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور ســـابق آمریکا، برخوردار بود، برای رسیدن به اریکه قدرت در عربستان، همه افراد نزدیک بـــه خاندان حاکم را قربانی کرد. وی پس از باخت ترامپ با شـــوک بزرگی روبرو شد. او هنوز از شوک باخت ترامپ رها نشده بود که تصمیم «جوبایدن» رئیس‌جمهوری دموکرات آمریکا برای تغییر سیاست آمریکا در حمایت از عربستان در جنگ یمن، خارج کردن انصارالله یمن از فهرست تروریسم، تماس تلفنی بایدن با «سلمان بن عبدالعزیز» پادشاه عربستان و بی‌توجهی او به بن سلمان، گزارش افشاگرانه مدیر اطلاعات ملی آمریکا درباره قتل خاشقچی در کنسولگری عربستان در ترکیه و متهم شـــدن بن سلمان در این زمینه، شوک بزرگ تری را به ولیعهد عربستان وارد کرده است. این مسایل بیانگر شکست سیاست‌های وی است و او را در شرایط بغرنجی قرار داده است. برخی تحلیلگران معتقدند که گزارش آمریکا درباره قتل خاشقچی نشان می‌دهد که احتمالا دولت آمریکا به دنبال این است که بن سلمان را از ولیعهدی عربستان کنار گذاشته و گزینه‌هـــای دیگر از جمله «محمد بن نایف» را که اکنون در حصر خانگی است بار دیگر به سمت ولیعهدی عربستان منصوب کند. در همین چارچوب به نظر می‌رسد طی هفته‌ها و ماه‌های آینده یکسری تغییرات اساسی در ساختار قدرت عربستان شکل بگیرد و بن سلمان روزهای بسیار سختی را پیش رو داشته باشد.

مفســـر سیاســـی روزنامه «الاخبار» لبنان در بخشی از گزارش خود آورد: درســـت است که بن سلمان همه رقبای خود را به حاشیه رانده و اموال آنان را مصادره و آزادی رفت و آمد را از آنان سلب کرده است، اما با این تدابیر نمی‌شود که امور را اداره کرد. دشمنان بن سلمان اکنون بیشتر از دوستان وی هســـتند. بن سلمان بر روی حمایت‌های ترامپ حساب باز کرده بود، اما با باخت ترامپ، بن ســـلمان هم در شـــرط بندی خود شکست خورده و با رسیدن بایدن به قدرت اکنون اوضاع برای بن سلمان پیچیده شده است. سناریوی واقعی درباره رفتار آمریکا با بن ســـلمان این است که تا زمانی که زیان دیدگان و مخالفان داخل عربستان از جمله شاهزادگان، بازرگانان، اصلاح‌طلبان، گروه‌های دینی، فعالان حقوق بشری علیه بن سلمان وارد عمل نشوند دولت بایدن هم برای اعمال فشـــار برای تغییر اقدامی نخواهد کرد. در صورتی که آنان وارد عمل شوند دولت آمریکا هم توجیهی برای فشار خواهد یافت. زیرا این موضوع در راستای منافع آمریکا است. وضعیت هرچه باشد حمایت آمریکا از بن سلمان تحقق نخواهد شد و دشمنان بن سلمان از این موضوع برای تحرک علیه وی در داخل و خارج استفاده خواهند کرد. گزینه جایگزین وی هم به طور مستقیم از سوی آمریکا انتخاب خواهد شد. حتی با این فرض که بن سلمان بتواند چالش‌های داخلی و خارجی را پشـــت سر گذارد و برای انحصار قدرت برنامه‌های خود را اجرایی ســـازد بازهم سناریویی که احتمال رقم خوردن آن زیاد است این است که رقابت بر سرقدرت در داخل خاندان سعودی افزایش خواهد یافت.

برپایه گزارش تارنمای «الخلیج اونلاین»، «محمد رفعت» کارشناس مسایل حقوقی هم گفته است برای کنار گذاشتن ولیعهد ســـعودی، تحرکاتی در داخل خاندان حاکم صورت می‌گیرد. شـــماری از شاهزادگان سعودی چندین ماه است که خود را برای کنار زدن بن سلمان آماده کرده‌اند.

زمینه‌های کودتا علیه بن سلمان

افزون بر شکســـت سردمداران عربســـتان و امارات در شـــرطبندی بر روی انتخـــاب مجدد ترامـــپ، اکنون آنها در میدان‌های نظامی و سیاســـی یمن، در تنش آشـــکار با جمهوری اسلامی ایران، در جنگ نیابتی با ترکیه و جریان اخوان‌المسلمین و در تنش در روابط قطر شکست تمام عیاری خورده‌اند و کار به جایی رســـید که در نتیجه تنش با قطر نه تنها شـــورای همکاری خلیج‌فارس ضربه دید بلکه روابط عربستان با کویت و عمان با تنش روبرو شده است و تلاش‌های صوری برای حل این تنش‌ها هم راه به جایی نبرده است.

«إســـراء عامـــر الفـــاس» تحلیلگر لبنانـــی در روزنامه الکترونیکی «رای الیوم» نوشت: اکنون اوضاع داخلی عربستان و امارات با بحران روبرو شـــده است. اگرچه این بحران‌ها در امارات هنوز برملا نشـــده اســـت اما در عربستان هر لحظه احتمال انفجار آن می‌رود و آمریکا هم می‌تواند در این زمینه نقش‌آفرینی کند. شـــیوه‌ای که بایدن برای رهایی از میراث ترامپ در پیش گرفته است سناریو و کابوس نگران‌کننده‌ای اســـت که ولیعهد عربســـتان را که تنها به فکر رسیدن به پادشاهی اســـت، آزار خواهد داد. نگرانی جدی عربستان از سیاســـت‌های بایدن درباره بن سلمان به عنوان یک طرح و سردمداری حکومت موضوعی است که امارات را هم نگران کرده اســـت. حتی در امارات این نگرانی وجود دارد که کنار گذاشتن بن سلمان به «محمد بن زاید» ولیعهد امارات هم ضربه وارد سازد.

در پایان باید گفت که شـــاهزادگانی همچون ولید بن طلال بن عبدالعزیز (یکی از سرمایه‌داران جهانی)، «متعب بن عبدالله»، «خالد التویجری»، خانواده «نایف» و شـــخص «محمد بـــن نایـــف» دارای قدرت سیاســـی و ارتباطی با گروه‌بندی‌های داخلی و خارجی هستند. این افراد به دلیل نفوذ بسیار بالایی که در دستگاه‌های امنیتی، انتظامی، هرم قدرت و بدنه اجتماعی عربستان دارند هنوز هم از پتانسیل شکل‌دهی و آفرینش اپوزیسیون علیه بن سلمان برخوردارند و در آینده می‌توانند هواداران خود را علیه بن سلمان بسیج سازند. افزون بر این شاهزادگان، نخبگانی هم در سطح جامعه عربستان هستند که خواهان سهم خود از حکومت می‌باشند. اتحاد این افراد با شـــاهزادگان مخالف بن ســـلمان و همراه شدن علمای سنی وهابی